

دیدگاه

فراز از تله ائتلاف‌های دست و پا گیر

برگزاری نشست فوق العاده سران کشورهای سازمان همکاری اسلامی با هدف بررسی بحران جنگ غزه سبب شد تا رهبران ایران و عربستان به عنوان دو کشور اسلامی در یک اجلاس به میزبانی ریاض موضعی متحد علیه بیماران اسرائیل درغزه اتخاذ کنند. تصویری که تا پیش از این کمتر می توان سراغی از آن گرفت. این تصویر نشان دهنده نظم جدید مبتنی بر چند همسویی است که دولت‌ها، بازیگران و کنشگران را به سمت همکاری و اتحاد و ائتلاف‌های همزمان و در عین حال متناقض متمایل کرده است. این مسأله برای بازیگرانی چون عربستان سعودی که تاکنون خود را در نظم بین المللی امریکا محور تعریف کرده‌اند، به تدریج زمینه را برای گسستن از این نظم و نزدیک شدن به بلوک‌ها و بازیگران رقیب که به دنبال تجدید نظر در نظم مستقر هستند، فراهم می کند.

در این ارتباط، نیویورک تایمز در گزارش اخیر خود با اشاره به برگزاری اجلاس سران عربی و اسلامی نوشت: «رهبران ایران و عربستان سعودی، رقبای منطقه‌ای که سال‌جاری روابط دیپلماتیک خود را احیا کرده‌اند، اخیراً در جریان نشستی در ریاض دیدار کردند و در آن خواهان آتش بس فوری و ارسال بدون قید و شرط کمک‌های بشردوستانه به غزه شدند. این دو کشور اسلامی که از جناح‌های مخالف در دگرایی‌های نیابتی در سراسر منطقه حمایت می‌کنند، پس از سال‌ها خصومت، برای اولین بار در ماه مارس در توافق بی‌میانجیگری چین، احيای روابط دیپلماتیک خود را اعلام کردند.». مشخص نیست که آیا این تغییر منجر به تنش زدایی بایدار بین سلطنت عربستان سعودی و حکومت ایران خواهد شد یا خیر. به این حال، به نظر می‌رسد که بمباران غزه توسط اسرائیل گرم شدن روابط بین عربستان سعودی و ایران را تسریع کرده است. سفر ابراهیم ژنیسی که اولین سفر یک رئیس‌جمهور ایران به عربستان سعودی در بیش از یک دهه گذشته بود، در محل اجلاس سران از سوی محمد بن سلمان ولیعهد سعودی، مورد استقبال قرار گرفت. استقبال شاهزاده محمد از ابراهیم ژنیسی به منزله خروجی قابل توجه برای رهبرعربستان بود که پیش از آن صراحتاً به ایران اشاره داده بود که سیاست‌های توسعه طلبانه در منطقه را دنبال کنند.

حال آنکه تا پیش از برگزاری نشست ریاض، حضور سران ایران و کشورهای عربی در چنین ترکیبی اینگونه از نشست‌ها و اجلاسیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قابل مشاهده نبود. شاید این استدلال مطرح شود که تنش زدایی گسترده منطقه‌ای و گذار از تنش‌های بهبوده پس از یک دهه این بازیگران را کنار هم قرار داده و آنها را با مسأله فلسطین هم‌دا کرده است اما این تنش زدایی منطقه‌ای، خود نشان دهنده یک تصویر کلان‌تر و پویاتر به نام چند همسوگرایی و فرار از تله قطبیت و ائتلاف‌های دست و پاگیر است که محدودیت‌های رفتاری قابل توجهی را بر بازیگران برای کنش در یک بلوک خاص تحمیل می‌کرد.

طی دهه گذشته، سیاست خارجی بسیاری از کشورهای خاورمیانه به سوی چندجانبه‌نگری تغییر کرده است. حتی شرکای سنتی ایالات متحده مانند مصر، عربستان سعودی و امارات دیگر از تلاش‌های واشنگتن برای ایجاد بلوک‌های انحصاری تحت رهبری آن خشنود نیستند. آنها به دنبال مشارکت با چند قدرت دیگر از جمله چین، هند، روسیه هستند تا سبب روابط خود را متنوع سازند و از وابستگی به یک قطب دور شوند. جنگ غزه می‌تواند این روند شکل گرفته را بیش از پیش تقویت کند.

شرق و غرب در حال شکل‌گیری است. در چشم‌انداز جدید، ائتلاف چین و روسیه در کنار افزایش پیوند بازیگرانی همچون ایران، هند و شماری از کشورهای عربی همچون عربستان به این ائتلاف، در مواجهه با رویکرد یکجانبه‌گرایانه امریکا به تدریج در حال تقویت است. نقش آفرینی پکن در ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی و صف بندی‌های سیاسی با دور ماندن از پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه و میانجیگری در بازگشایی روابط ایران و عربستان، از جمله نشانه‌های این تحول پرشتاب است. این در حالی است که بسیاری از ناظران معتقدند وضعیت پیچیده و متزلزلی که جنگ غزه در منطقه ایجاد کرده، شکست رهبری هژمونیک ایالات متحده را به تصویر کشیده و تلاش‌های این کشور مبنی بر القای نقش میانجی بالقوه در منطقه خاورمیانه را که به طور سنتی تحت سلطه واشنگتن بوده، به شکست کشانده است.

برهم زدن بازی

بنابراین انزوی امریکا نه تنها نقطه کانونی اهداف راهبردی ائتلاف شرق متشکل از چین، روسیه و ایران است، بلکه هدف بسیاری دیگر از کشورهای است که تا پیش از این در اردوگاه امریکایی بازی می‌کردند و اینک می‌کوشند در میان مدت در چهارچوب نظم در حال شکل‌گیری بین الملل بر پایه اتحاد چین، روسیه و جمهوری اسلامی، قرار گیرند. این در حالی است ایران که جنایات بی‌امان تل‌آویو علیه مردم غزه و تحولات خشنوت‌بار منطقه را نتیجه صحنه‌گردانی و واشنگتن می‌بیند و در شرایطی که برخی از بازیگران غربی نهایت تلاش خود را نشان دادند تا آن را وارد یک مسیر ناگسسته کرده‌اند، تحولی که سوای آنچه در صحنه سیاسی میدانی میان بازیگران رسمی روی می‌دهد، مدل‌های جدید مشارکت سیاسی و میدانی از سوی جریان‌های غیررسمی را به نمایش می‌گذارد که الگوی استراتژیک جنگ‌های متعارف غرب در منطقه را بر هم زده است.

رقابت بلوک‌های قدرت شرق و غرب

اینچنین بود که بحران نظامی اخیر این واقعت را به رخ کشید که نظم جدید در حال ظهور با اپنا بدرگرونی رویکرد بازیگران دولتی و غیردولتی از یک‌سو و همچنین رقابت پایاپای بلوک‌های قدرت

اسرائیل برای آشتی با کشورهای عربی زیر سایه توافقنامه «آبراهام» بود و از سوی دیگر ازسرگیری رابطه تهران و ریاض نوید گره‌گشایی از بسیاری بحران‌های مزمن منطقه را می‌داد. توافقنامه آبراهام که با وساطت ایالات متحده میان اسرائیل و چندین کشور عربی در سال‌های اخیر دنبال شده بود تا نسخه‌ای سردستی برای صلح پایدار در خاورمیانه به جامعه بین‌المللی ارائه کند، تلاشی برای ایجاد نظم جدید خاورمیانه در فردای خروج امریکا از این منطقه به شمار می‌آمد، اما جنگ جاری غزه پرده از تلاش واهی ایالات متحده برای تحکیم وضعیت موجود در منطقه برداشت و بسیاری از انکاره‌های این کشور، تل‌آویو و برخی کشورهای عربی منطقه را برای آغاز دوران صلح و ثبات از طریق توافق‌های عادی سازی و کاهش تنش جاری، مهیا کننده فرصتی بود تا پکن و مسکو همه آنچه را که نیاز بود برای ترویج نظم جهانی چندقطبی در اختیار داشته باشند، به دست آورند



President

«ایران» از ترویج نظم جهان چندقطبی در پی بحران غزه گزارش می‌دهد

شکست هژمونی امریکا با طوفان الاقصی

امروز کمکی نکرده است. اگر این شکست اخیر بایک نتیجه خوشایند در اوکراین همراه شود، سایر کشورها نه فقط اعتبار امریکا بلکه قضاوت و فهم آنها را از مسائل زیر سؤال خواهند برد. این همان وضعیتی است که می‌تواند به نقطه عطفی در تاریخ همپیمانی امریکا و شرکای اروپایی‌اش تبدیل شود و دیگر توصیه‌های واشنگتن در اولویت و دستور کار متحدانش نسبت به موضوعات بین‌المللی از جمله مسأله جنگ غزه جایی نداشته باشد.

سرنوشت توافقنامه آبراهام

این تحولات در حالی رقم خورد که پیش‌تر خاورمیانه نظاره‌گر تقلا

جنگ فاجعه‌بار عراق، شکست در برابر قدرت رو به ارتقای جمهوری اسلامی، ظهور و گسترش تروریسم، جنگ فرساینده یمن و بحران لیبی پدیدار شده، کافی است تا کشورهای زیادی در صحنه بین‌الملل نسبت به تصمیمات امریکایی‌ها در جنگ غزه تردید پیدا کرده باشند و دیگر مایل به مشارکت و تقبل بیشتر خسارت و هزینه در اثر تبعیت از تصمیمات احتمالی واشنگتن در این جنگ نباشند. والت معتقد است شکست نتانیاهاو در دفاع از تل‌آویو ممکن است اعتبار او را برای همیشه لکه‌دار کند، اما آنها سیاست خارجی ایالات متحده نیز وقوع این خونریزی را پیش‌بینی نکرده بود و پاسخ آن نیز تا به

شدن و اقیعبات شکل‌گیری نظم چندجانبه‌گرایی و تثبیت آن در پی تحولات اخیر غزه دانسته است. به اعتقاد او، فرسایندگی جبهه غرب به رهبری امریکا در جنگ اوکراین، تغییر اولویت ناگزیر از رقابت با چین به سمت‌وسوی کمک به بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل برای خارج کردن رژیم او از بحران جاری، مهیا کننده فرصتی بود تا پکن و مسکو همه آنچه را که نیاز بود برای ترویج نظم جهانی چندقطبی در اختیار داشته باشند، به دست آورند.

درک جهانی امریکا زیر سؤال

این واقعت که نتایج مدیریت چندین دهه‌ای ایالات متحده در

گزارش

با احتساب امروز، دقیقاً چهل و هفت روز از عملیات «طوفان الاقصی» گذشته است؛ رویداد نظامی سرنوشت‌سازی که هم برای جبهه مقاومت و هم جبهه غرب ایجاب می‌کند هر آنچه در چشمه دارند بیرون بیاورند تا در یکی از تاریخی‌ترین ادوار جنگ متافع خود را تأمین کنند. استfan والت، تحلیلگر بنام امریکایی در جدیدترین یادداشت خود جنگ غزه را نقطه عزیمتی برای پدیدار



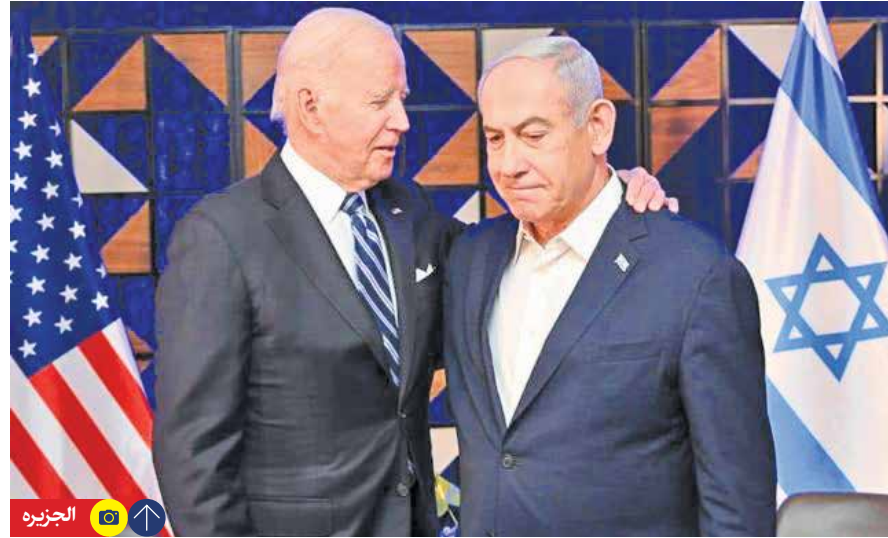
بحران نظامی اخیر این واقعت را به رخ کشید که نظم جدید در حال ظهور با ابتنا بر دگرگونی رویکرد بازیگران دولتی و غیردولتی از یک‌سو و همچنین رقابت پایاپای بلوک‌های قدرت شرق و غرب در حال شکل‌گیری است

بازندگان بزرگ فرسایشی شدن نبرد خاورمیانه

تحلیل

مهدی سیف تریزلی

تحلیلگر مسائل منطقه



الجزیره

کمک‌های بیشمار امریکا در دو سال گذشته به اوکراین در جنگ با روسیه همان‌طور که بارها از سوی مقامات نظامی و رسانه‌ها گفته شده در زمینه تولید تسلیحات، به‌خصوص گلوله‌های توپخانه و موشک‌های هدایت‌شونده، ارسال می‌شود، در حالی که روسیه در جریان جنگ با اوکراین، تسلیحات، به‌خصوص گلوله‌های توپخانه و موشک‌های هدایت‌شونده، ارسال می‌شود.

با این تفاسیر غرب مجبور است آنچه که تا به حال در مورد اوکراین گفته است در قبال فلسطین هم اجرایی کند. اگر قطع آب، غذا و برق در اوکراین را جنایت جنگی توصیف می‌کنند، باید همین را در مورد غزه نیز بگویند. در غیر این صورت تمام اعتبار خود را از دست می‌دهند.

ضربه به وجه سیاسی امریکا

روسیه درگیری‌های و ترویج قطعنامه توسط ایالات متحده و وجه سیاسی امریکا در مقابل کشورهای در حال توسعه بشدت ضربه خورده است

عملیات طوفان الاقصی نه تنها طی ماه گذشته روی معادلات خاورمیانه تأثیرات شگرف و غیرقابل بازگشتی گذاشته است بلکه به شکلی کاملاً محسوس روی برخی از چالش‌های جهانی همچون جنگ روسیه-اوکراین و یا بحران قره‌باغ نیز اثرگذار بوده است. تغییر شرایط جهانی و ایجاد وضعیت جدید و غیرقابل پیش‌بینی برای قدرت‌های بین‌المللی منجر به تغییر اولویت‌ها در سیاست خارجی بسیاری از دولت‌های جهان در یک ماه گذشته شده است. طیف بندی و تغییر اولویت‌های غرب جمعی در جنگ روسیه و اوکراین و زمزمه‌های حرکت به سوی صلح و آتش بس میان دو کشور از جدی‌ترین تبعات عملیات موفقیت‌آمیز رزمندگان فلسطینی در تقابل با رژیم صهیونیستی بوده است. در ادامه این مطلب تأثیر عملیات طوفان الاقصی را روی جنگ روسیه و اوکراین در دو جنبه «سیاسی» و «میدانی» مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تبعات سیاسی

جهان کنونی مکانی ناعادلانه است که استانداردهای متناقض و شکاف‌های سیاسی بخشی از سیاست واقعی بین دولتی است. دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادها، نظم به اصطلاح مبتنی بر قاعده‌ای را شکل می‌دهند تا توانایی مطابقت با تقاسیر کشورهای غربی از امور جهانی را داشته باشند. در حال حاضر، این سیستم



جهان کنونی مکانی ناعادلانه است که استانداردهای متناقض و شکاف‌های سیاسی بخشی از سیاست واقعی بین دولتی است. دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادها، نظم به اصطلاح مبتنی بر قاعده‌ای را شکل می‌دهند تا توانایی مطابقت با تقاسیر کشورهای غربی از امور جهانی را داشته باشند.



جهان کنونی مکانی ناعادلانه است که استانداردهای متناقض و شکاف‌های سیاسی بخشی از سیاست واقعی بین دولتی است. دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادها، نظم به اصطلاح مبتنی بر قاعده‌ای را شکل می‌دهند تا توانایی مطابقت با تقاسیر کشورهای غربی از امور جهانی را داشته باشند.